

لَوْ اَنَّ نَدَاكَ اَكْبَرُ كَرِهْتَ اَنْ يَكُونَ رَجُلٌ يَدْعُكَ بِسْمِكَ وَرَجُلٌ مِّنْ مِّمَّنْ
از پروردگار او نشدند مرا تا آنکه شدی از شکم منی با لعل او در سجده ای که روی تو کرده
و نه درخت و نه خانه و نه مؤمن مؤمنم و او نموسیده شده بودی یعنی ملامت کرده شده بود
فاما چون رحمت و نعمت حق تعالی بوی رسیدند نداشتند در میان خالی و هوامانی
یعنی مضموم نبود بلکه موصوم بود چون تو بودی که فاجتنبیه رسته پس برگردش پروردگار
يَجْعَلُهُ مِمَّنَ الصَّالِحِينَ پس گردانیدش از یک مردان یعنی از بیچارگان گردانیدش و باز
بروی و حی فرستاد و شفاعت دادش بر قومه نصیب عارفه اینست که در بنا
صبر کند و با نیکان مشورت شود دعای برشان کند تا آنکه بر سرست مصطفی صلی الله
علیه و سلم عمل کند که گفت اللهم اهد قومی فانهم لا يعلمون و بنا دعا فانی لا یرد الی اوصافه
بچار شود عاشق لیکن میرود ماه ارجه شود لا غایتستاره نخواهد شد فهمش فهم قصه
پس بوسه علیه السلام آن بود که حق تعالی و پیرا به پیغمبری فرستاد و از زمین موصول قوم
وی بسیار بود ندانستند او عطا گفت و نصیحت کرد و با میان جوانان بوی میاورد
وی را در هر گوی داشتند در غضب شد و از ضایعی عذاب قوم خود را طلب کرد و حی آن
بوی که ایشان بگوی که عذاب خواهد آمد بعد از سه روز یا بعد از چهل روز و از میان ایشان
پهرون رفت و جز و رس نهاد و پس بوی فرستند و گردانیدند و رسیدند موج پیدا شد و پس

بنا لله
منی هر چند ولی فانی فی الله و بارئ
نماه کند بطریق منزلت یا حق تعالی
ی را توبه د بدو بر رحمت خود رساند
چنانکه بپوش نام

با یک پسر بود و در دریا فرو کرد و که آمد پسر دیگرش را برد تمام اندر کشی نشست
چون در میان دریا رسید دریا موج برآورد و کشتی با مان گشتند که در میان تیره
از خواب که نجات عادت است کشتی را از دست ایمان ازادر دریا اندازم موج ساکنی
توجه انداختند بنام بوسه علیه السلام برآوردند تا نجات شدند بر نام وی برآوردند
گشتند تو سفا بر صلی الله اندر دریا نمی توانیم انداختن بوسه علیه السلام گفت آن بند
از خواب که بچشم منم خود را خواست تا خود دریا تیره از ما می دید و آن گشاده بر طرفی فرخت
چین و چاره نه بد خود را در دست از ما می دید و بر آن گرفت و بشک خود برآورد
العام الی رسید که این بند بزرگ خود را طره تو سفا بر آورد و برادر شکم تو باز شد
یک روز یا هفت روز یا بیست روز یا چهل روز یا صدی فی العظمت پس بوسه علیه السلام
خواندند خدای تعالی را در تاریخها تاریکی دریا و تاریکی شب تاریکی شکم و کشته اند که آن ماهی
ماهی دیگر خورد تاریکی دریا و تاریکی دریا و تاریکی دریا و تاریکی دریا و تاریکی دریا
الآن است سجا که انی گشت من الظالمین پس از آنکه این دعا را بخواند الهامی رسید با کسی
و برآورد از پس پنداخت بخواه او پیا شرح بود و ضعیف شد همچون جو طبع و موی
آورخته حق تعالی درخت کرد و برآورد و در سایه او می نشیند و آسمی را با طبع او حق
و برآورد و برآورد و کشته نگاه تا قوت شدش و مویش برآورد پس در جواب رفت از آنجا

بنا لله
منی هر چند ولی فانی فی الله و بارئ
نماه کند بطریق منزلت یا حق تعالی
ی را توبه د بدو بر رحمت خود رساند
چنانکه بپوش نام

Copyright © King Saud University